

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش : اکارت اسپو

گزینش و ترجمه : رضا نافع

فرستنده: جهانگیر محبی

۲۵ اپریل ۲۰۱۲

احساس نمی کنید در محاصره خبری قرار دارید؟

اکارت اسپو ، نویسنده این مقاله از ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۷ دبیر روزنامه فرانکفورتر روند شاو، از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۶ رئیس اتحادیه روز نامه نگاران المان بود. در سال ۱۹۹۷ همراه با چند روزنامه نگار دیگر مجله اوسیتسکی را بنیاد نهاد که تا امروز نیز سردبیر مسؤول آنست. بخش هایی از مقاله او را می خوانید.

از رادیو برلن می شنوم که در سوریه هزاران نفر علیه دولت دست به تظاهرات زده اند. تمام روزنامه های دیگر هم همین خبر را منتشر کرده اند. در روزنامه یونگه ولت خبر دیگری می خوانم. این یک روزنامه استثنائی، کوچک و غیر وابسته به کنسرن های بزرگ رسانه ای المان است، چون سهام آن متعلق به نویسندگان و کارکنان خود روزنامه است و از لحاظ مالی وابسته به کنسرن ها نیست. این روزنامه می نویسد در سوریه صدها هزار نفر در حمایت از دولت و مخالفت با دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی سوریه تظاهرات کرده اند. به نظرم می رسد که هر دو خبر درست هستند، نباید یکی درست و آن دیگری نادرست باشد. دو خبر می توانند مکمل یکدیگر باشند

اگر خواننده به همه خبر ها دسترس داشته باشد - از جمله خبرهایی که در اینترنت هم در جایی درج شده است - و همه را کنار یک دیگر بگذارد ممکن است، دست آخر ، احتمالاً به حقیقت دست یابد. ولی چه کسی وقت این را دارد که برای کسب خبر به همه جا سر بزند و جست و جو کند؟ وقتی خبرهای داخلی و خارجی روزنامه های معمولی و منحصر به فرد محلی و رادیوهای محلی همه از یک منبع، از یک کنسرن بزرگ رسانه ای خبری می گیرند و خبرهای آنها حتی لغت به لغت مشابه هم هستند و به نظر می رسد که متقابلاً یک دیگر را تأیید می کنند، و اکثراً هم همین طور است، - به دشواری ممکن است در باره اطلاعات خود دچار شک و تردید شویم، بلکه به عکس، تصور می کنیم که کاملاً از واقعیات باخبر هستیم، و چون خبر دیگری نمی خوانیم و نمی شنویم به همین حقیقت ها

راضی هستیم، به خبرهائی که در واقع از بنیاد نادرست هستند و حتی بسیاری از این ها ساختگی هستند. با چنین زمینه ای چگونه می توانیم درستی رویدادهای جهانی را که هر روز از نو ساخته می شوند، بشناسیم و به منافی که در پس آنها پنهان است پی ببریم و بدانیم که در پس پرده چه می گذرد؟

هر صحنه ای و هر نمایشی به دو قطب، دو طرف، دو شخصیت، دو جبهه نیاز دارد: که با هم در جنگند. یکی بد است و یکی خوب، یکی خبیث، پلید، بدجنس و شیطان صفت است، یکی خوب، نیک سیرت، خوش جنس و فرشته خوست. در نمایش تبلیغاتی که این روز ها روی صحنه است، اسد، رئیس جمهور سوریه آن شخصیت بد است، مثلاً روزنامه المانی و پر تیراژ «بیلد سائتوگ» او را «دیوانه» لقب داده است. این روزنامه که پر تیراژ ترین روزنامه المان است، همین لقب را قبلاً به میلوسویچ (صربستان) صدام و قذافی هم داده بود. اما لقبی که بنا به تجربه بسیار اثر بخش است، لقب «قصاب» است. به این معنی که این افراد خبیث و اهریمن صفت مردم خود را «قصاب وار» می کشند و این ما هستیم که باید این مردم را از مرگ نجات دهیم، آن هم با شتاب تمام و فوری. ما باید در کنار دوستان خوبمان واشنگتن، لندن و پاریس حتماً این کار را بکنیم — وجدان پاک، متعالی و پیشرفته ما، به ما این حق و مسئولیت را می دهد که به این خلق ها کمک کنیم تا بتوانند - با کمک خشونت بسیار متریقی و خوب ما، خود را از شر رئیس جمهور نابکار خود رها سازند. درست است که حقوق بین المللی دخالت در امور داخلی دیگر کشورها را ممنوع کرده است، ولی این قانون شامل حال ما نمی شود، زیرا که ما همیشه یار و مددگار نیکی هستیم. و هر چیزی که احتمالاً با صحنه نمایش جور نیاید، تا جایی که ممکن است، باید از دیده ما پنهان بماند. به همین دلیل رسانه های تبلیغاتی با دقت تمام مراقب هستند که اخباری که ما را ناراحت کنند یا احتمالاً تعادل روانی ما را مختل سازد به گوشمان نرسد. آنچه اصلاً به خاطر ما خطور هم نمی کند این است که این به اصطلاح افراد نانجیب، دیوانه و قصاب شاید هم رفتارشان آنقدر ها دور از خرد و خشن نیست که به ما گفته می شود، و ما فکر نمی کنیم که این افراد برای حفظ استقلال، حفظ حق تعیین سرنوشت مردم خود، که وظیفه اصلی یک رئیس جمهور است، نیروهای حفظ امنیت را به میدان می فرستند.

ما از خوب ها هم که ترجیح می دهند به جای فردا همین امروز کمک های نظامی بفرستند، تصور دقیقی نداریم ولی مطمئن هستیم که این ها دموکرات هستند و در پی چیزی غیر از استقرار یک دموکراسی، شبیه همین دموکراسی که خودمان داریم، نیستند. و برای آن که ما این اعتقاد زیبا را از دست ندهیم این خبر را به گوش ما نمی رسانند که مثلاً اکثریت مردم سوریه در پایان ماه فیروزی طی یک referendum خواستار اصلاح قانون اساسی کشور شده اند که پرزیدنت اسد خود پیشنهاد کرده بود. کاخ سفید واشنگتن از همان آغاز اعلام کرد که referendum، یعنی رأی مردم، «خنده دار» است «انقلاب سوریه» را مسخره کرده است. این که مردم به اساس همین قانون اساسی جدید در انتخابات شرکت کنند و خواستشان را عملی سازند، این که اسد می خواهد راه اصلاحات مسالمت آمیز را در پیش گیرد، نه با هدف های دوستان انقلاب در کاخ سفید واشنگتن همخوانی دارد و نه با خواست رؤسای دبیرخانه های کنسرن های رسانه ای، بنا بر این سکوت می کنند و تاجائی که ممکن باشد صدایش را در نمی آورند. شاید هم به این دلیل که ما هم در المان از خودمان نپرسیم راستی چرا مردم المان فرار، نه در سال ۱۹۴۹ که المان فدران بنیاد نهاده شد و نه در سال ۱۹۹۰ که المان گسترش یافت، امکان پیدا نکردند به قانون اساسی خود رأی بدهند؟ پیشگامان امریکائی انقلاب در لیبیا، عراق، افغانستان و قبل از آن در یوگسلاوی و حالا هم در سوریه اعلام نمی کنند که گروه های اسلامگرای متعصب را برای ترور استخدام می کنند، چرا که دانستن این خبر از ظرفیت تفاهم افکار عمومی خارج است، به همین دلیل روزنامه های با صلاح محلی و سربه راه ما نیز این خبر را اعلام نمی کنند. این

ها که سالها نوشته اند «اسلامگرایی» یک خطر جهانی است. حالا چطور می توانند برای خوانندگان خود توضیح دهند که مسیحیان سوریه به شدت از اسد حمایت می کنند و «انقلابیون» خودرو های انفجاری خود را در محلات مسیحی نشین منفجر می کنند. رسانه ها این خبر ها را منتشر نمی کنند همانطور که اخبار مربوط به انفجار کلیساهای مسیحی در کوسوو را به دست کوسوایی ها منتشر نکردند.

گزارش ناظران اتحادیه عرب می توانست اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد. کارشناسان نظامی و غیر نظامی از ۱۳ کشور عربی زیر نظر یک ژنرال سودانی، مستقر در تمام استان های سوریه، میان گروه های مسلح و گروه های دولت سوریه میانجی گری می کردند و هرروز گزارش کار خود را به مرکز ناظران می فرستادند. در جمع بندی گزارش ها، رسانه ها نیز مورد انتقاد قرار گرفته بودند، ولی غیر از روزنامه یونگه ولت کدام یک از دیگر روزنامه ها و رسانه های المانی خبر این مأموریت و اطلاعاتی را که ناظران به دست آورده بودند، منتشر کردند؟

کدام یک از رسانه ها خبرنگاری به سوریه فرستاده اند؟ لطفاً اعلام کنید! من نمی توانم به دقت روشن کنم ولی مطمئن هستم: تعداد آنها نمی تواند زیاد باشد زیرا این کار با دو وظیفه اصلی کنسرن ها در تضاد قرار می گرفت: یکی با وظیفه تبلیغاتی آنها و یکی با صرفه جوئی آنها. آنها باید برای صاحبان کنسرن تا جایی که ممکن است تأمین سود کنند و این به آن معنی است که تاجایی که ممکن است از مخارج پژوهش های روزنامه نگاری بکاهند.

یورگن تودن هوفر، مردی که قبلاً از سیاستمداران حزب دموکرات مسیحی (حزب خانم مرکل) و مدیر عامل کنسرن بوردا بوده، کسی است که سفرهای تحقیقی و متعددی به افغانستان، عراق و لیبیا کرده و حاصل مشاهداتش با آنچه که ما به آن عادت کرده ایم به کلی متفاوت است. او روز ۱۹ فبروری در روزنامه "فرانکفورتر الگماینه زونتاکز سایتونگ" نوشت: «یک کارزار عظیم رسانه ئی علیه اسد (...) از هر دو خبری که در مدت اقامت ۴ هفته ای خود در سوریه خواندم و با واقعیات سنجیدم یکی به کلی غلط بود». مطمئنم که اگر به تحقیقاتم ادامه می دادم به نتایج بسیار بدتری می رسیدم.»

کسی که اوضاع را به دقت زیر نظر بگیرد، تحلیل و مقایسه کند، اندک اندک خواهد دید که در پس همه خبر های نادرست و خبر های نادیده گرفته شده منظور خاصی نهفته است: قدرت های استعماری قدیمی می خواهند کشورهای دیگر، به ویژه آنهایی را که منابع و معادن غنی دارند دوباره به وابستگی های استعماری پیشین باز گردانند. وقتی هدف این است رسانه هایی که خط می دهند و برای دیگران مسیر حرکت را مشخص می کنند نمی توانند خوب ها و بد ها را (یعنی کسانی را که ثروت خو را داوطلبانه تقدیم نمی کنند) با یک معیار بسنجند. مثلاً اسرائیل و ایران. مدت زمان درازی در باره تسلیحات اتمی اسرائیل سکوت می شد. مرده خای وانونو دانشمند اتمی اسرائیلی که سکوت را شکست، محکوم شد و بیست سال در زندان بود و هنوز هم آزاد نشده است. این که اسرائیل اجازه دارد بمب اتمی تولید کند، امروز دیگر از مسلمات است (و هم اکنون نیز بیش از ۲۰۰ بمب دارد). المان هم زیردریائی هایی به اسرائیل می دهد که می توانند نقش سکوی پرتاب راکت های اتمی را ایفا کنند.

برخی از پادشاهان مرتجع عرب اجازه دارند به تحکیم استثمار و مناسبات کنونی قدرت در خاور نزدیک کمک کنند، که عربستان در رأس آنها قرار دارد. حرف هایی از این قبیل که در آنجا دست دزدان (کوچک) را قطع می کنند و مجازات خیانت به همسر مرگ است را می توان گاهی بر زبان آورد ولی لطفاً با حفظ احترامات فائقه نسبت به طرف معامله ما. این رژیم ترور در سال گذشته با سرکوب اعتراضات اجتماعی در بحرین، که می توانست سلطنت را در آنجا با خطر مواجه سازد، نشان داد که کار آمد است. ریاض نیرو هائی را که خوب آموزش

دیده و به تجهیزات کامل مسلح بودند برای سرکوبی جنبش مردم بحرین به آنجا فرستاد. حالا المان صدها تانک در اختیار این رژیم می گذارد. و هیچ کس مانع از آن نمی گردد که عربستان نیروگاه اتمی بسازد. در حال حاضر نقشه ایجاد ۱۶ بلوک تدارک دیده شده است.

روزنامه "فرانکفورتر روندشاو"، همین چند روز پیش، در باره رئیس جمهوری که با اکثریت بزرگی انتخاب شده است مقاله ای نوشت با عنوان «وحشی بی رحم»:

«رئیس جمهوری که تصور کند مرگ انسان ها را می تواند با کشتن انسانهایی دیگر مجازات کند، خود را در سطح قاتلان قرار می دهد.» این رئیس جمهوری که مورد شتماتت قرار گرفته آکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور روسیه سفید است، که چون دو نفر قاتل محکوم به مرگ را نبخشوده مورد حمله این روزنامه واقع گشته است. - در اثر انفجاری که آن دو نفر عامل اجرای آن در متروی شهر مینسک بودند، ۱۵ نفر کشته و عده بیشتری مجروح گشتند. آیا ممکن است که این روزنامه اوباما را هم «وحشی» بخواند؟ رئیس جمهوری را که مثلاً فرمان داد اسامه بن لادن و همه اعضای خانواده او را نیمه شب در خانه شان به قتل برسانند، در حالی که بن لادن حتی به عنوان متهم نیز در دادگاهی حضور نیافته بود و هیچ دادگاهی حکم قتل او را صادر نکرده بود. ممکن است این روزنامه مردی را «وحشی» بخواند که مسؤول مرگ شبانه و مستمر انسانهای فراوانی در کشورهای دیگر است که به وسیله هواپیماهای بی سرنشین مورد حمله قرار می گیرند و کشته می شوند، - ۳۰ پولیس ویژه فرانسه مردی را که عامل سوء قصد بوده، ظاهراً به این دلیل که نمی توانستند او را زنده از خانه اش به در آورند، می کشتند - این ها کشته می شوند بی آن که در دادگاهی بتوانند سخنی بگویند. و برادلی مانیگ، سرباز امریکائی، که قصد داشت از طریق ویکی لیکس جنایات جنگی امریکا را در عراق افشاء کند، امروز باخطر حبس دائمی روبروست.

<http://www.hintergrund.de/201204122017/hintergrund/medien/sorgsame-nachrichtenauswahl.html>